

همشهری

صفحه
آخر

در حَم زلف تو آویخت دل از چاه زَنج
آه، کز چاه برون آمد و در دام افتاد
حافظ

■ حضرت امیر المؤمنین علی؛

کسی که به انصاف آراسته گردد، به مرتبه‌های
اشرف و بزرگان رسیده است.

■ آدان طلهر: ۱۳۰۸ ■ غروب آفتاب: ۲۰:۲۴
■ آدان مفر: ۲۰:۴۵ ■ نیمه‌شب شمسی: ۰۰:۱۶
■ آدان صبح: ۴:۰۷ ■ طلوع آفتاب: ۵:۵۳

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: عبدال... گنجی
■ سردبیر: دانیال معمار

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سید کمال فریبنی، شماره ۱۲
■ کدپستی: ۹۵۹۵۶-۱۹۶۶۶
■ شماره صندوق پستی: ۱۹۳۹۵۵۴۴

■ تلفن: ۰۲۱-۲۳۰۲۳۰۰، شماره: ۰۲۱-۲۳۰۴۰۶۰۶

■ چاپ: مهری
■ تلفن: ۰۲۱-۷۵۰۰۰۰

■ توزیع و اشتراک:
■ موسسه نشر گستر امروزیون
■ تلفن: ۰۲۱-۹۳۳۳۰۰

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

■ سازمان آگهی‌ها و نیازمندی‌ها:
■ خیابان قائم‌قام‌فرهانی، میدان شمع، خیابان شهید خدزی
■ شماره: ۲۹-۲۹۰۰۰، طبقه اول ■ تلفن: ۰۲۱-۸۸۶۱۸۱۹-۸۴۳۲۱۷۰

گريبنويج

سرایت کرونا با بالن



پیونگ یانگ: کره شمالی مدعی شد که همه‌گیری کرونا در این کشور به دلیل تماس افراد با بالن‌هایی بوده است که از سمت کره جنوبی راهی این کشور شده است. رسانه‌های دولتی کره شمالی به نقل از مراکز پیشگیری از همه‌گیری بیماری‌های این کشور اعلام کردند که نمونه‌هایی از ویروس کرونا در شهر ایگو در نزدیکی مرز جنوب شرقی کره شمالی پیدا شده است. براساس اعلام آن‌ها، آزمایش‌های کرونا یک سر باز ۱۸ ساله و یک کودک ۱۰ ساله در اوایل ماه آوریل پس از تماس با «اشیای مشکوک» در این شهر مثبت شده است. به گزارش ایندپندنت، مسئولان بهداشتی کره شمالی در دستورالعملی که آن‌ها را «اضطرابی» نامیده‌اند، از شهروندان این کشور خواسته‌اند تا در صورت مشاهده «اشیای مشکوک»، آن‌ها را تحویل مسئولان مربوطه دهند تا از بین برده شوند. اگرچه در این گزارش‌ها به اشیای مشکوک اشاره نشده است اما در سال‌های گذشته مخالفان نظام سیاسی کره شمالی با استفاده از بالن، بسته‌های تبلیغاتی‌شان را از سمت کره جنوبی به داخل خاک کره شمالی ارسال می‌کنند.

ابرهای سمی در کلمبیا



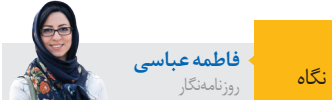
سواچا: پس از یک بارش سنگین در کلمبیا ابرهایی سمی در شهر سواچا این کشور تشکیل شدند. این ابرها در واقع کف حاصل از جریان رودخانه‌ای بودند که حاوی موادی سمی بود. به گزارش نیویورک پست، کف‌های سمی، عبور و مرور ساکنان ۳۰ خانه را که در حاشیه این رودخانه قرار داشتند مختل کرد. عکس‌های این ابرهای سمی هم سوزه عکاس‌ها و رسانه‌های جهان شد. به گفته کارشناس‌ها این ابرهای سمی حاصل وجود زباله، مواد شیمیایی و برخی شونده‌هاست که در مجموع تشکیل کف می‌دهند. مقامات دولتی کلمبیا به ساکنان حاشیه این رودخانه درباره نزدیک شدن به این کف‌های سمی هشدار دادند. در هند هم سالی چندین بار این کف‌های سمی در حاشیه بعضی رودخانه‌ها شکل می‌گیرد.

شیوه گرفتن قلم، نشانه آلزایمر



توکيو: دانشمندان پس از انجام تحقیقاتی متوجه شدند که با در نظر گرفتن شیوه در دست گرفتن قلم می‌توان ابتلای فرد به آلزایمر را پیش‌بینی کرد. به گزارش سانس، پیش از این هم دستخط بد و لغزان یکی از نشانه‌های وجود خطر ابتلا به آلزایمر بود. اکنون این شیوه پیش‌بینی کامل‌تر شده است. در این آزمایش، از فرد خواسته می‌شود اشکال هندسی ساده، مانند یک ستاره یا صفحه ساعت را ترسیم کند. طی این تحقیق دانشمندان زاپتی توانایی و شیوه نگارش ۱۴۴ فرد را بررسی کردند. افراد شرکت‌کننده در این آزمون، توانایی‌های شناختی مختلفی داشتند. برخی از این افراد «سالم» و برخی دیگر نشانه‌هایی از «زوال عقل» داشتند. در این آزمایش، ویژگی‌های متفاوت نگارشی افراد بررسی شد. از چگونگی قلم به‌دست گرفتن، تا میزان فشار به قلم، به تعداد مکت‌هایی که فرد برای نوشتن یک متن ساده و ثابت داشت. سطح مختلفی از فشار بر قلم در زمان نوشتن که موجب می‌شود برخی خطوط قوی و پررنگ و برخی ضعیف و بی‌رنگ ترسیم شوند، مکت بیشتر در نوشتن و سرعت کمتر می‌تواند نشانه‌هایی از آلزایمر باشد. دقت این آزمون برای تشخیص افراد مبتلا به آلزایمر ۷۵.۲ درصد بود که رقم قابل توجهی است. داده‌های علمی نشان می‌دهد از هر ۱۴ فرد بالای ۶۵ سال، یک فرد مبتلا به آلزایمر است.

شرخری برای مستأجرها



نگاه

این روزها مستأجرانی هستند که ناگزیرند یا محل سکونت فعلی را با قیمت بالاتری اجاره کنند یا همان مبلغ به خانه‌ای کوچک‌تر در محله‌ای پایین‌تر و یا در حواشی شهر نقل مکان کنند. چرا که به‌نظر می‌رسد صاحب‌خانه‌ها دیگر به افزایش ۲۰، ۱۰ یا حتی ۵۰ درصدی اجاره راضی نیستند و صحبت از افزایش‌های ۲۰۰، ۳۰۰ درصدی است. توجیه‌شان برای اعلام این اعداد هم گرانی‌های یک‌ماهه اخیر است که منطقی به‌نظر می‌رسد. این موارد باعث شده است که سران سه قوه برای حل بحران اجاره‌بها تشکیل جلسه داده و قانونی تصویب کنند. که براساس آن مالکان باید تنها ۲۵ درصد به اجاره بها اضافه کنند و علاوه بر آن قراردادهای اجاره به‌صورت خودکار تمدید می‌شود و هیچ حکم تخلیه‌ای هم امسال برای مستأجران صادر نخواهد شد.

از آنجا که همیشه عده‌ای هستند که از آب گل‌آلود همه به هم کمک‌کنند تا از این بحران عبور کنیم، این عده برای کمک به مالکانی که می‌خواهند هر طور شده مستأجر را بیرون کنند، تبلیغات و با عنوان «تخلیه مستأجر» مستأجرهای بی‌بازار را خانه‌های بیرون می‌کنند. احتمالاً به‌خاطر دارد که سال‌های گذشته روی در و دیوار تبلیغاتی وجود داشت با عنوان «وصول چک» که یک شماره تلفن هم ضمیمه‌اش شده بود و آدم را یاد شرخرهای گردن کلفتی می‌انداخت که برای گرفتن مبالغ چک‌های برگشتی به در خانه‌بدهکاران می‌رفتند. حالا این تبلیغ «تخلیه مستأجر» هم شباهت زیادی به همین تبلیغات وصول چک دارد که این بار کارشان بیرون کردن آدم‌ها از خانه و زندگی‌شان است و می‌شود عنوان شرخرهای خانگی را به‌پشتان داد. با اینکه مالکان روش‌های خود را برای تمدید

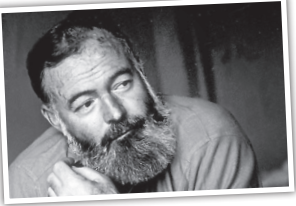
اول آخر

سنجش سلامت نوزاد نوزاد ■ عکس: یوری باکیزه



تقویم / سالمرگ

پیرمرد و ماجرا



ارنست همینگوی بیشتر عمرش سرگرم ماجراجویی بود. از زخمی شدن در ایتالیا بر اثر اصابت ۲۰۰ تکه ترکش گلوله تا شرکت در خط مقدم جبهه‌های جنگ داخلی اسپانیا، با سفرهای روستایی به حیات‌وحش آفریقا تا ماهیگیری و شکار حیوانات وحشی و زندگی در کوبا، سرانجام هم با اسلحه شکاری به زندگی‌اش پایان داد. از مهم‌ترین رمان‌های همینگوی پیرمرد و دریاست که او نوشت. «باربل گارسیا مارکز نوشته‌ای زیاده‌اش در نوشتن، او را نویسنده‌ای بی‌همتا و بسیار تأثیرگذار کرده بود و کمتر کسی است که او را نشانده. باربل گارسیا مارکز نوشته‌ای درباره مواجهه‌اش با همینگوی دارد که خواندنش خالی از لطف نیست: «بی‌درنگ شناختمش. یک روز بارانی بهار ۱۹۵۷ بود. او با همسرش ماری ولش در بلوار سن میشل قدم می‌زد. از پیاده‌رو آن سمت خیابان به طرف باغ لوگزامبورگ می‌رفت. من رسیدم که محال بود تصور کنی از عمرش ۴ سال بیشتر نمانده است. مثل همیشه بین دو حرفه متضاد در این تردید بودم که مصاحبه‌ای راه‌پیدا کنم یا فقط از عرض بلوار بگذرم تا ستایش می‌بدم یا نثارش کنم. آن وقت نه این کار را کردم و نه آن را تا آن لحظه را صایع نکنم. مثل تارزان در جنگل دستم را بلند کردم و از پیاده‌رو سمت خودم به آن سمت فریاد زان گفتم: «استاد». همینگوی بی‌درنگ به من آمد و گفت: «چرا؟»

دیگری نمی‌تواند باشد. با صدایی که کمی بچه‌گانه بود به زبان اسپانیایی فریاد زان گفتم: «حداحفاظ رفیق». این تنها باری بود که او را دیدم. چندین سال بعد وقتی در اتومبیل فیدل کاسترو نشستم، روی صندلی، کتاب کوچکی دیدم با جلد چرمی سرخ کاسترو گفتم: «کار استناد همینگوی است». به راستی، همینگوی -بیست سال پس از مرگش- همیشه آنجایی است که کمتر از هر جای دیگری انتظارش می‌رود. چنین حاضر و در عین حال گذرا مثل آن روز صبح ماه می، به گمانم که از پیاده‌رو بلوار سن میشل با من برخورد گفتم.»

قصه شهر

ارباب در مدرسه

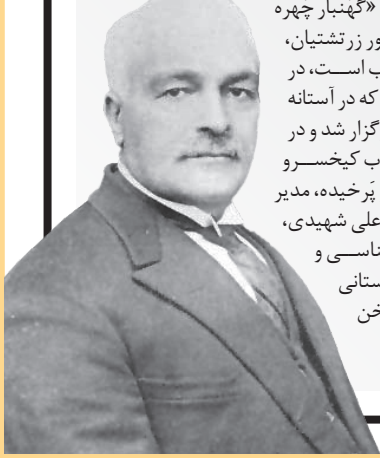


حمیدرضا محمدی
در مجلس ما یک مسلمان هست، آن هم ارباب کیخسرو/ سیدحسن مدرس

هم ایجاد کتابخانه مجلس در سال ۱۳۰۴ به‌دلیل هم ساخت آرامگاه فردوسی در سال ۱۳۱۳ و حتی نوشته‌اند که تأسیس شرکت تلفن ایران در سال ۱۲۹۵ و ریاست بر آن تا سال ۱۳۱۵، شبکه تلفن سراسری را نیز پایه گذاشت. شاید اگر او نبود، مدارس زرتشتیان در پایتخت و بعضی شهرهای دیگر مانند یزد و کرمان پا نمی‌گرفت؛ چنان‌که به همتش، مدارس پسرانه جمشیدچم و فیروزبهرام و دخترانه انوشیروان و گیو احداث شد. او که یک سال پس از مشروطه انجمن زرتشتیان را پایه گذاشته بود، خود نیز آداره‌اش می‌کرد. همچنین نیایشگاه (آتشدکه) آذریان در خیابان سی تیر و آرامستان زرتشتیان در قصر فیروزه تهران را احداث کرد و حتی نخستین نماینده هم‌دینانش در مجلس دوم شد که تا ۱۰ دوره بعد ادامه یافت و حتی وقتی در سال ۱۳۱۱، ضرب سکه و چاپ اسکناس را بانک ملی ایران بر عهده گرفت، به عنوان یکی از ۲ نماینده ناظر انتخاب شد.

ارباب کیخسرو شاهرخ اما تنها شخصیتی بی‌بدیل و بی‌نظیر برای زرتشتیان نبود، که چهره‌ای ممتاز و البته معتمد در ایران به‌حساب می‌آمد؛ چنان‌که در سال‌های قحطی جنگ جهانی اول، به‌داد همه هم‌وطنانش رسید و حاضر نشد گندم را ریالی گران‌تر بفروشد. او که سرپرست مراسم تاجگذاری احمدشاه بود، سرانجام در ۱۱ تیر ۱۳۱۹ همه از او به حرمت و حشمت یاد می‌کنند. کسی که به پیشنهادش، از یک‌صد سال پیش تاکنون، یادکرد مشروطه در سالروز خورشیدی آن برپا می‌شود. به پاس فعالیت‌های ارباب کیخسرو و شاهرخ، نام‌گانه‌ای ۲ روز پس از زادروز ۱۴۷ سالگی‌اش، عصر پنجشنبه، نهم تیر در آستانه نیمه تابستان بزرگ و جشن تیرگان، هم‌زمان با آیین دینی «گهنبار چهره

میدیوشم»، که به باور زرتشتیان، هنگام آفرینش آب است، در دیرستان فیروزبهرام که در آستانه ۹۰ سالگی است، برگزار شد و در آن، افزون بر نوه ارباب کیخسرو و شاهرخ، بودرحمیر خریزیده، مدیر مدرسه فیروزبهرام و علی شهیدی، استاد گروه ایران‌شناسی و فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه تهران سخن خواهند گفت.



مال حرام و اقتصاد ناسالم

سیدمحمد رضا واحدی
کارشناس فرهنگی



یکی از افت‌های اقتصادی در جامعه، درآمدهایی است که بدون تلاش و فعالیت مشمر و مولد به‌دست می‌آید و اقتصاد سالم را فلج می‌کند و بازار کسب‌وکار را به نابودی می‌کشاند. در یک اقتصاد سالم، باید سرمایه در مجاری صحیح و قانونی گردش داشته باشد و عناصر جامعه باید برای تولید و اشتغال تلاش کنند و دنبال پول‌های بادآورده‌ای نباشند که گردن‌کلفت‌ها را گردن‌کلفت‌تر و بیچاره‌ها و ضعیف‌ها را زیر دست و پای آنها له می‌کند. درآمدهای ناشی از رانت و رشوه و ربا و زدزی و غصب و... بدون تلاش اقتصادی است و مفت‌خواری حساب می‌شود که در دین اسلام و قرآن کریم از آن به «اکل مال به باطل» یاد شده است. این تعبیر ناظر بر همین معنی و درآمدهای این‌چنینی است و خلاصه اینکه هرگونه تصرف ناروا در مال مردم را شامل می‌شود. یعنی می‌توان تمامی مفاسد اقتصادی و تمام زد و بندهای مالی که هدف درستی ندارد و تحت عنوان معامله صالح به اصطلاح «اکل مال به باطل» قرار داد و آن را تصرف ناروا در اموال دیگران دانست. در سوره بقره آمده است: اموال یکدیگر را به باطل نخورید و مبادا مالی به حاکمان بدهید تا زمینه خوردن مال مردم برایتان فراهم شود. هرچند پرداخت مال به حاکمان نوعی کنایه از رشوه دارد و باید در مبجثی جداگانه بدان پرداخت، اما این به اشاره به یک نمونه بارز حرام‌خواری دارد که متأسفانه در میان بعضی از مردم رایج است. ممکن است بعضی‌ها رشوه‌ای نپردازند اما چشم خود را بر واقعیت‌ها می‌بندند و مالی که خودشان هم می‌دانند در واقع حقی در آن ندارند، اما چون با حکم قاضی به‌دست آورده‌اند، آن را بر خویش حلال می‌دانند. یعنی وجدان خود را چنین آرام می‌کنند که چون من به کسی رشوه ندادم که سیر پرونده را به نفع خود کنم، اما وقتی طرف توانست از حق خودش دفاع کند و قاضی حق را به من داد، دیگر مشکلی در تصاحب این مال ندارم. این رفتار بیش از آنچه رفتاری از سر اعتقاد و باور باشد به نوعی خودگول‌زنی و وجدان‌فریبی است که کاش کسی گرفتار آن نشود.

شکی نیست که قضات دادگاه‌ها علم غیب ندارند و تنها براساس مستندات قضایوت می‌کنند که گاه به ضرر صاحب حق است. حتی پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله می‌کرد و خود آن حضرت در این باره به مردم هشدار دادند. روایت است که ایشان فرمودند: من هم بشری مثل شما هستم و طبق قرآن و شواهد ظاهری میان شما داوری می‌کنم. شاید یکی از دو طرف دعوا در اقامه دلیل از دیگری نیرومندتر باشد و من به مقتضای ظاهر دلیلش به نفع او قضایوت کنم، درحالی‌که در واقع حق او نیست. فکر نکنید چون پیامبرم و به نفع او حکم کرده‌ام، آن مال برای او حلال است. نه، آن مال برای او قطعه‌ای از آتش است. حالا می‌تواند آن را بپذیرد و قطعه‌ای از آتش بخورد یا از آن بگذرد و به صاحبش برگرداند.

گاهی خود قاضیان معتقدند که حق به نفع فلان طرف بود اما مستندات مورد اعتنای قانون برخلاف آن بود و ما نمی‌توانستیم به غیر از تکیه بر مستندات حکم بدهیم. یاد می‌آید یکی از بازاریان متدین و صاحب اعتبار در جریان یک قرارداد به طرفش اعتماد کرده و یک چک سفیدامضا به او داده بود. طرف با تمام بی‌انصافی و سوءاستفاده از اعتماد صاحب چک مبلغی گزاف نوشته و او را به زندان انداخته بود. نزد یکی از بزرگان قسوه قضاییه که صاحب چک را می‌شناخت صحبت از او شد، وی گفت: من هم آقای فلانی را می‌شناسم و قبول دارم که آدم بیراهی نیست و حتی پشت سرش نماز هم می‌خوانم، اما چه کنیم که فعلاً چک برگشت خورد و به‌عنوان یک مستند قانونی در دست طرفش است.

موضوع حق الناس موضوعی بس حساس است که خداوند به هیچ‌وجه از آن بی‌گردد و با خود گول‌زدن‌ها و تجاهل‌ها حلال نمی‌شود. اینکه کسی با اینکه خودش هم می‌داند که صاحب حق نیست، اما به استناد به رأی دادگاه و تکیه بر آن، مال مردم را بالایی‌اش کند و خوشحال است که برابر قانون و مستندات قضایی صاحب حق شناخته شده است، بدون تردید از مصادیق بارز «اکل مال به باطل» و مشمول آیه فوق است.

آخر مصور



مهاجرت/ اثر: امانوئل دل روسو

بوک مارک

موزه معصومیت

اورهان یابوک

ساعت حدود پنج بود که من هنوز در رختخواب دراز کشیده بودم. یادم آمد که مادر بزرگم بعد از فوت پدر بزرگ برای اینکه خاطر آتش را فراموش کند اتاقش را عوض کرده بود. تمام اراده‌ها را به کار گرفته تا به خود بقبولانم که باید برای فرار از خاطراتم از این اتاق و این اشیای قدیمی دل بکنم. چیزی درونم ندا می‌داد که کاملاً برعکس عمل کنم و بیشتر به سمت اشیای کشیده شوم. با این نسبت به مادر بزرگم خیلی ضعیف بودم یا اینکه این اشیاء، تسلی‌خاطری برای من بود و نمی‌توانستم از آن‌ها دل بکنم.

فراخوان



بی‌تعارف و تکلف، مثل همین متن کوتاه‌ای که می‌بینید. ما منتظریم تا نوشته‌های پتان درباره مسائل روزمره، مشکلات و دغدغه‌هایتان را برای ما ارسال کنید. اگر اهل طنز و کار یک‌تاور و طراحی هم هستید جاب‌تان اینجا محفوظ است. متن یا طرح‌تان که آماده شد یک تماس با شماره ۰۲۱-۲۳۰۳۳۶۶ بگیرد تا برای رساندنش به ما، راهنمایی‌تان کنیم.